هفته نامه

نوید

«فوق العاده» (وابسته به حزب تودهٔ ایران) سال سوم، شمارهٔ ۴۲، دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۷

هولناک ترین جنایت تاریخ در آبادان

رژیم شاه که در آبادان یکی از فجیع ترین وکم سابقه ترین جنایات تاریخ را مرتکب شده است ،اکنون مذبوحانه تلاش می کند تا شاید با تن دادن به پاره ای عقب نشینی های محدود در برابر طوفان خشم نفرت و مبارزات گسترده انقلابی خلق در سراسر کشور ،خشم و عصیان بیکارجو یانه وحماسه آفرین مردم را که می رود تا طومار سراسر جنایت و خیانت رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه را در هم بپیچد ،فرونشاند. چه تلاش مذبوحی! در روزهای اخیر رژیم کوشیده است با توطئه سکوت در مورد جنایت بی سابقه خود در رکوهٔ آدمسوزی سینما رکس آبادان ،توجه مردم را از آن منحرف کند . اما مردم مستعد پیده و مبارز ایران این شیوه کاری فجیع وفاشیستی را هرگز فراموش نخواهند کرد وهمان طور که در شعارهای خود در آبادان اعلام کرده اند ،انتقام خود را با سرنگون ساختن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه ومجازات باند جنایتکار حاکم و عاملان تیه کاران خواهند گرفت.

گزارشگران نوید که با شاهدان عینی این فاجعه ومعدود افرادی که از این جهنم بزرگ آریامهری جان سالم به در برده اند ،گفتگو کرده اند ،نتیجه تحقیقات خود را که حاکی از شرکت مستقیم شهربانی وساواک آبادان در تدارک وانجام این توطئه جنایتکارانه است ، چنین گزارش کرده اند :

۱- امروز چهارده مرداد (سالروز انقلاب مشروطیت) تا روز ۲۸ مرداد (روز فاجعه آتش سوزی) شهر آبادان شاهد تظاهرات گسترده و پر شور مردم علیه رژیم ضد ملی و جنایت پیشه شاه بود وقرار بود به مناسبت سالروز کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد تظاهرات پر دامنه ای صورت گیرد . اما در روز ۲۸ مرداد شهر به اشغال نیروهای پلیس و گارد شهربانی در آمد به طوری که با به حکومت نظامی برشهر سنگینی می کرد و اجازه هیچ حرکتی نمی داد . در چنین فضای پر تشنجی بود که امروز ۲۷ مرداد فیلم مترقی " گوزن ها " در سینما رکس آبادان به روی پرده آمد واز آنجاکه نمایش چنین فیلمی طی ماه ها یا خیر بی سابقه بود ،با استقبال گرم مردم ،به ویژه جوانان ،روبرو گردید . همه چیز حاکی از آن است که نمایش فیلم گوزن ها ،آن هم در سینما رکس آبادان که نزدیک شهربانی قرار دارد براساس توطئه ای از قبل تدارک شده ،بوده است.

۲- در ساعت ۹ شب ،مردم هنگام ورود به سالن سینما ،طبیعه رژیم شعارمی دادند وبه هنگام تماشای فیلم نیز شعارهایی دادمیشد. در ساعت ۹/۲۵ دقیقه پلیس که سینما را در محاصره داشت ،بر روی ورودی سینما واقع در خیابان زند را با قفل وزنجیر می بندد تا از خروج مردم جلوگیری کند.

۳- یکدری که همسر وفرزند اش را در جریان آتش سوزی از دست داده ،به خبرنگار ماگفته است که در ساعت ۹/۴۰ دقیقه برای خرید ساندویچ از بوفهٔ سینما از سالن فیلم خارج شده ،اما پنج دقیقه بعد متوجه آتش سوزی در سالن نمایش گردیده وخواسته برای نجات فرزندان خود به داخل سالن برود که دیده همان دری راکه او از آن خارج شده ،بسته اند وسینما به محاصره ماموران شهربانی در آمده و از ورود مردم برای نجات آتش زدگان جلوگیری می کنند . شاهدان عینی گفته اند که یک افسر مزدور شهربانی در سینما رامی بندد و در برابر اعتراض شدید مردم ،می گوید :" یک خرابکار سینما را آتش زده ،اگر در را باز کنیم همراه مردم فرار خواهد کرد ."

در نخستین لحظات عده ای از مردم موفق می شوند از دریچه ۱ سالن خارج شده ،با شکستن درخروج اضطراری که در پشت سینما قرار دارد ،خود را نجات دهند اما ماموران شهربانی فوراً در سالن را بسته و در اضطراری را نیز مسدود می کنند.

۴- در حالی که صدای فریاد وناله از داخل سینما به گوش می رسید و آتش قربانیان خود را یکی پس از دیگری در کام می گرفت ،ماموران شهربانی که سینما را در محاصره داشتند از نزدیک شدن مردمی که با بی تابی می خواستند به کمک محاصره شدگان در آتش بشتابند جلوگیری می کردند . در این میان یکی از مردم تصمیم می گیرد با ماشین بلمیز خود به وسیله سیم بکسل در اضطراری را باز کند ،اما در خیمان او را دستگیر می کنند و تا چند ین روز ماشین بلمیز او جلوی شهربانی بوده است . در این هنگام یک بولدوزر متعلق به شهرداری در حوالی سینما در کنار خیابان پارک شده بود ،مردم به سوی آن هجوم بردند تا به کمک آن راه نجاتی باز کنند اما گزارهای مسلح شهربانی تهدید کردند که اگر کسی به بولدوزر نزدیک شود ،شلیک خواهند کرد .

۵- همه چیز از توطئه ای جنایت کارانه حکایت داشت. در حالی که آتش سوزی از ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه شروع شده بود ،تنها در ساعت ۱۱ بود که ماشین های آتش نشانی به محل رسیدند و تازه در آن موقع هم شیر یکی از لوله ها شکسته بود ودیگری به علت این که خوب پهیاز نشده بود ،قابل استفاده نبود .

آتش نشانی شرکت نفت آبادان به مدرن ترین وسایل اطفای حریق مجهز است وبنابه گفته یکی از آتش نشان ها حتی قادر است دیوار های قطور بتونی را فرو بریزد وراه بازکند ،اما ماموران شهربانی که سینما را در محاصره داشتند از فعالیت موثر آن ها جلوگیری کردند . آن ها دستور داشتند تا هنگامی که مطمئن نشده اند که تمام قربانیان کوره آدمسوزی رژیم خاکستر شده اند از هرگونه اقدام برای راه باز کردن به سالن سینما جلوگیری کنند . یکی از ماموران آتش نشانی به خبرنگار ماگفت :

- " حریق زیاد نبود وما می توانستیم آن را به سرعت کنترل و خاموش کنیم ولی با مخالفت شدید افسران وماموران شهربانی روبرو شدیم ."

به این ترتیب رژیم خون آشام نمایش جنایت بار خود را تا به آخر ادامه داد .

۶- کلیه شواهد و مدارک به دست آمده نشان می دهد که قبل از آتش سوزی دود ژخیمان گاز مسموم کننده ای از طریق کانال های کولر که در دو طرف پرده سینما قرار داشت ،به داخل سالن وارد کرده بودند.

یکی از نجات یافتگان کوره آدمسوزی شاه ،به خبرنگار ما در این مورد چنین توضیح داد :

- " مشغول تماشای فیلم بودم که ناگهان دیدم برادر کوچکم از روی صندلی به زمین افتاد . حالت خفگی به او دست داده بود. خود نیز چنین احساسی پیدا کرده بودم . وقتی به فضای سالن نگاه کردم دیدم از کانال های کولر دود خفه کننده زیادی وارد سالن می شود . به طرف در هجوم بردم اما در ها بسته بود . در این موقع برق سالن هم قطع شد . در تاریکی به طرف پنجره ای که در ارتفاع دو متری قرار داشت رفتم ،توری آن را پاره کرده ،پنجره را بازکردم و سرم را بیرون بردم تا نفسی تازه کنم ،تا بتوانم به کمک ۷ برادر و خواهر وبچه های خاله ام بروم ،اما به محض این که سرم را از پنجره بیرون بردم ، ماموران شهربانی مرا از پنجره بیرون کشیدند ووقتی فریاد زدم که می خواهم برگردم و برادران و خواهرانم را نجات دهم مرا به شدت کتک زدند و فوراً پنجره را مسدود نمودند و امکان هرگونه نجات را از بین بردند ."

یکی از ماموران آتش نشانی که پس از خاتمه حریق وارد سالن شده بود مشاهدات خود را به گزارشگر ما چنین شرح داد :

- " بیشتر مردم سوخته شده در رست دیوار سینما که یک تیغه نازک است و سینما را از خیابان امیری جدا می کند ،جمع شده بودند و به علت خفگی از گاز مسموم کننده ای که در داخل سالن پخش شده بود نتوانسته بودند این دیوار را خراب کنند . بقیه مردم به همان حالت نشسته روی صندلی ها سوخته بودند واز آنها جز اسکلتشان چیزی باقی نمانده بود . حتما قبل از این که بتوانند حرکتی بکنند دراثر گاز های سمی ازهوش رفته بودند ."

۷- براساس گزارش های تکان دهنده دیگری که ازکوره آدمسوزی رژیم در آبادان دریافت داشته ایم و یک اعلامیه دستنویس آبادان آن را تائید می کند ،آتش سوزی به وسیله ماده آتش زایی انجام گرفته که تنها در اختیار ارتش است و گویا از اسرائیل دریافت شده است. این ماده آتش زا تنها گوشت وپوست را می سوزاند وبه اشیایی که دارای کپن هستند ،نظیر استخوان ، در و پنجره و صندلی چوبی وغیره کارگر نیست .

در طول بیش از چهار ساعت آتش سوزی در درون سینما ،آتش به بیرون سرایت نکرده است . خبرنگاران ما گزارش می دهند که نمای خارجی سینما ،دیوارها و حتی سردر سینما کاملا سالم است و گویی اصلا در اینجا هیچ حادثه ای روی نداده . کسانی که داخل سالن سینما را پس از آتش سوزی دیده اند ،می گویند دیوارها سالم است ،سقف سینما که معمولا در چنین آتش سوزی های طولانی بزرگی فرو می ریزد هیچ عیبی پیدا نکرده است ،بسیاری از صندلی ها نقریبا سالم مانده اند .

شاهدان عینی می گویند تماشاگران ردیف های جلو ،بهمان صورت که روی صندلی ها نشسته بودند خفه شده و پس از سوختن به اسکلت تبدیل شده اند . استخوانهایشان سالم است. کفش ها و کمر بند ها و دیگر اشیای چرمی شان سالم است (که معمولا در چنین حریقی باید ذوب شود) و اغلب مردم اجساد عزیزانشان را از روی همین اشیاء شناسایی کرده اند . گزارش های دیگر نشان می دهد که اجساد بیشتر قربانیان از ناحیه بالا تنه (سروشکم) به کلی از بین رفته استولی اغلب پاهایشان سالم باقی مانده است.

همه گزارش های رسیده نشان می دهد که آتش سوزی نخست از فضای سینما آغاز شده است . حریق نیز نه به وسیله ماموران بلکه به علت تمام شدن گاز قابل اشتعالی که از کانالهای کولر وارد سالن کرده بود نهایان یافته است.

نتیجه تحقیقات نشان می دهد که از آنجا که دیوارهای سالن سینما بسیار نازک بوده (وحتی قسمتی از آن از چوب بوده) ومردم در صورت یک حریق معمولی می توانسته اند آنها را خراب کرده و خارج شوند ونیز از آنجا که در یک حریق معمولی دیوارها و دیوارهای چوبی زود تر از همه می سوزند وراه برای فرار باز می شود ،برای موفقیت این توطئه جنایتکارانه ،طراحان رژیم لازم دیده اند که با فرستادن گاز خفه کننده نخست قربانیان را مسموم ساخته و ازهرگونه تلاش و حرکت برای نجات خود باز دارند و سپس با مادهٔ آتش زایی که تنها گوشت را می سوزاند و متلاشی می کند قربانیان خود را نابود سازند بدون آن که در و دیوار در آتش بسوزد و راه گریزی پیدا شود .

۸- تعداد قربانیان این توطئه ضد بشری را برخلاف ادعای رژیم جنایتکار ۳۷۷ نفر ،بیش از ۸۵۰ نفر تخمین می زنند . سالن سینما ۸۰۰ صندلی داشته ،اما بلیط فروش سینما نزد مردم اعتراف کرده که برای سانس ۹ بعد از ظهر ۸۱۰ بلیط فروخته است (البته مزدور رژیم او را وادار کرده بود که نخست تعداد بلیط های فروخته شده را ۶۸ و بعد اگه اجساد فاجعه بیشتر مشخص شد ۴۱۰ عدد عنوان کند) . به این ترتیب با توجه به این که صندلی های سینما فاقد شماره بوده و عده ای که از سانس قبل در سینما بودند برای دیدن دوباره فیلم از سالن خارج نشده بودند وبرای کودکان نیز بلیط خریده نشده بود وعده ای از مشتاقان ،فیلم را سرپایی تماشا می کردند ، حداقل ۹۰۰ نفر در سینما بوده اند که اگر عده نجات یافتگان را از آن کم کنیم حداقل ۸۵۰ نفر در کوره آدمسوزی رژیم به خاکستر مبدل شده اند .

گزارشگران ما می نویسند حضور در حدود ۹۰۰ تن از مردم رزمنده آبادان در سالن سینما (که بیشتر آنها را جوانان مخالف رژیم تشکیل می دادند که برای تماشای فیلمی مترقی آمده بودند که خود سندی است بر محکومیت رژیم جنایت پیشه شاه ،می توان انگیزه چنین جنایت مهیبی را ،جدا از علل مهم سیاسی آن ،از سوی مزدوران تیه کار شهربانی آبادان و در رأس آن ها سرتیپ رزمی ،دژخیم پست فطرتی که پس از کشتار مردم قم با ارتقاء درجه برای ادامه تیه کاری های خود به دستور شاه به آبادان آمده بود ،درک کرد .

۹- آتش سوزی در سالن سینما تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب ادامه یافت و هنگامی که مزدوران شهربانی مطمئن شدند گاز مشتعل تمام شده و نمایش جنون آمیز آنها به پایان رسیده است ،درهای سالن را باز کردند و بی آن که به مردم خشمگینی که در پشت صف محاصره کنندگان شهربانی شاهد سوختن عزیزان وهمشهریان خود بودند، اجازه ورود به سینما و کمک بدهند ،اجساد تکه تکه و ذغال شده قربانیان را بیرون کشیدند و درون کامیون های ارتشی انباشتند و مستقیما به گورستان بردند . به کمک بولدوزرها گودال بزرگی حفر کردند تا همه اجساد را یک جا به زیر خاک کنند . می پنداشتند با این عمل جنایتی به این بزرگی را خواهند پوشاند . اما مردم خشمگین که از دیگر بیش از این تاب تحمل نداشتند به قبرستان هجوم بردند، با مزدوران به زد وخورد پرداختند و آن ها را از گورستان بیرون راندند تا خود نعش عزیزان خویش را شناسایی کنند و به خاک بسپارند. عزیزانی که تنها اسکلت های نیم سوخته ای از آنها باقی مانده بود ،جسدهای ذغال شده ،دست ها و پاهای جدا شده ،۱۵۰۰ دست و پا .

دفن اجساد در روز به طول انجامید . جسدهای تکه پاره ، تکه های ذغال شده تن آدمی ،دست ها و پاهای جدا افتاده در گوری جمعی به خاک سپردند . هنگام دفن اجساد ،مردم دافدیده آرام نبودند ،اما در چشمان اکثر آنها اشکی دیده نمی شد . خشم و نفرتی را که در وجودشان موج می زد همراه با شعارهای آتشین علیه رژیم جلادان و آدمکشان شاه - ساواک بیرون می ریختند و سوگند می خوردند که انتقام خود را از شاه ومزدورانش نظیر تیمسار رزمی ،عامل مستقیم این تیه کاری فجیع ،بگیرند . مردم یکصدا فریاد می زدند :" شاه باید بسوزد " " رزمی باید بسوزد " .

۱۰- از آن پس شهر در اندوه وخشم فروفته است. هر روز از بام تا شام تظاهرات گسترده ای با شرکت ده ها هزار نفر از مردم با شعار های آتشین علیه رژیم ضد خلقی شاه برپا می شود . مردم برای قیام و درهم شکستن کاخ های ظلم و ستم آماده شده اند . گزارشهای خون آشام و جانی به مردم دلاور و دلاور حمله می کنند و به سوی آن ها آتش می گشایند . دژخیمان مدام قربانی می گیرند . مردم چند بار کوشیده اند شهربانی آبادان را به آتش بکشند که با تاجم خونین مزدوران رژیم روبرو شده اند . در جریان تظاهرات روز جمعه ۳ شهریور ، پلیس برای مقابله با تظاهرکنندگان آن قدر گاز اشک آور بر شهر ریخت ،که حتی مردم درخانه های خود از ناحیه چشم ،بینی ،گلو و پوست بدن دچار ناراحتی های شدید شدند . شاهدان عینی می گویند ،این گاز اشک آور نبود زیرا اولا برخلاف گاز اشک آور که سفید است ،سیاه رنگ بود وثانیا در پوست هم سوزش وناراحتی تولید می کرد . در همین روز در جریان تظاهرات در جلوی شهربانی ،مزدوران مردم را به گلوله بستند . جمعا ۸ تظاهرکننده تا ساعت ۴ پس از آن بر آسفالت خیابان ها افتاده بود . براساس گزارشهای رسیده ،ساواک به بیمارستان شرکت نفت دستور داد از مداوا و جراحی مجروحان که بیش از ۴۰ تن بودند خودداری کند . با این حال پزشکان به وظیفه وجدانی خود عمل کردند . اما دژخیمان ساواک به دو تن از بیماران در حالی که پس از عمل جراحی سرم به دستشان وصل بود حمله بردند و سرم را جدا کرده ،آن ها را به شکنجه گاه منتقل کردند .

۱۱- تا چند ین روز پس از فاجعه دردناک آتش سوزی ،مزدوران شهربانی ،هنوز تعدادی اجساد سوخته را به نام اجساد کشف شده در سینما به گورستان می آوردند . مردم خشمگین که متوجه توطئه رژیم شده بودند خود را به سینما که هنوز در محاصره پلیس بود رساندند و صف محاصره کنندگان را درهم شکستند و وارد سالن سینما شدند و هر چه گشتند ،جسدی پیدا نکردند . اما وسیله دیگر گاز کشف که مارک ارتشی داشت . مردم به عنوان اعتراض به این توطئه کثیف تظاهرات گسترده ای در شهر برپا کردند .اما عصر روز جمعه ۳ شهریور باز مزدوران ۴ جسد سوخته شده دیگر را به گورستان آوردند و گفتند که این ها باقی مانده اجساد داخل سینما است. همه شواهد حاکی از آنست که مزدوران اجساد کشته شدگان در تظاهرات را در زیرزمین شکنجه دژخیمان یا آتش زده و به عنوان بقیه اجساد سوخته کشف شده در سینما برای دفن به گورستان می آوردند .

یکی از خبرنگاران ما گزارش می دهد که جوانی به نام محمد یگانه ساکن لین ۷ اصلی و ۸ فرعی شب فاجعه هنگامی که مزدوران شهربانی در اصلی سینما را می بستند به زیر دست پلیس زده و غریبه با تومی به زیر چشمش می خورد ولی موفق به فرار می شود . نامبرده آن شب را در خانه خود به سر برده و فردای آن روز توسط پلیس دستگیر می شود و یک روز بعد جسد سوخته اش را به خانواده اش تحویل می دهند و می گویند در آتش سوزی سینما کشته شده است .

چنین است ابعاد فاجعهٔ هولناک و تیه کارانه ای که مردم ایران و جهان را تکان داد و در خشم واندوه فرو برد و چنین است اوج بیمهابت و زخیم صفتی رژیمی که برای بقای خود حاضر است تمام مردم یک کشور را قربانی کند .

اکنون که مردم ایران در سراسر کشور خود را برای قیام نهایی علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک وضد خلقی شاه آماده می کنند و با فداکاری جانبازی ،یگانگی ،آگاهی و شیوه های ابتکاری خود ،مبارزه گسترده ای را که در سراسر تاریخ ایران بی سابقه است ،پیش می برند ،می توان با خوش بینی بسیار امید وار بود که به زودی امواج انقلابی جنبش خلق حکومت غارتگران و وطن فروشان و دژخیمان را درهم خواهد شکست و حکومتی ملی و دموکراتیک را که بیانگر و منعکس کننده خواستهای مردم باشد برسر کار خواهد آورد .